



Energy Conservation in the Light of Sustainable Development Goals from the Perspective of National and International Legal and Criminal Laws

Mohammad Reza Darabpour¹   Mehdi Sabooripour² 

1. Corresponding Author; Assistant Professor, Department of Civil Engineering, Allameh Rafiee Institute of Higher Education, Qazvin, Iran & PhD. Student of Criminal Law and Criminology, Law

Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: darabpour@arq.ac.ir

2. Assistant Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: M_Sabooripour@sbu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Manuscript received:
20 September 2022
final revision received:
13 December 2022
accepted:
3 February 2023
published online:
15 March 2023

Keywords:

*Construction Industry,
Ecocide, Energy Rights,
Sustainable
Development*

Abstract

The role of laws in extracting and consuming all kinds of energy resources in all fields is undeniable. Undoubtedly, the development and the economic, political, social, environmental and technical future of any country and the world, in general, are completely dependent on the presence or absence of energy. The unplanned and maximum consumption of non-renewable resources, in order to extract energy, has made the security of mankind face new crises, which is referred to as "the common concern of humanity", and some people even consider the perpetrators of these behaviors as "enemies of mankind". Therefore, legislators and executive bodies should take advantage of all available potentials, both legal and criminal, to protect energy resources in line with international policies, so that according to the ideals of sustainable development as a common global goal, the current and future generations can have access to sustainable energy sources in a fair manner. Currently, the lack of technical and executive infrastructures and effective and efficient executive guarantees, and the non-commitment of the enforcers and trustees to the established laws, as well as the lack of executive guidelines and the weakness of regulatory bodies, have caused the laws enacted in the field of energy to be ineffective. It goes without saying that the multiplicity of laws does not necessarily guarantee the operationalization of energy programs and the achievement of sustainable development goals, and the legislator must consider the ability to implement the laws before enacting the laws.

This article has studied the domestic and international legal literature by using the descriptive-analytical research method and based on the hypothesis that the domestic laws are not compatible with the needs of the country and the modern world views in issues related to energy and the ideals of sustainable development. Due to these weaknesses, energy conservation is faced with many shortcomings in domestic laws and executive policies. To answer this question, what actions should be taken to protect energy and the rights of future generations? Some international documents and conventions in the field of energy, some of which are joined by Iran, have been briefly discussed. The implementation of these commitments and goals at the domestic level, especially in the construction industry, depends on correcting the old and wrong traditional policies, revising the current laws or establishing new laws that are appropriate to the existing conditions. Using lessons learned from other developed countries will definitely be useful and efficient.

Iran's general policies related to energy are divided into two main groups: oil and gas general policies and general policies of other energy sources. However, the current domestic policy is mainly focused on the use of fossil resources, and there is little executive support for the use of renewable resources or clean energy. Currently, in the field of domestic energy law, responsibilities are generally defined in the realm of legal and civil responsibilities, and there is no specific criminalization for energy protection at the national level. The few currently defined crimes in the field of energy are also related to issues related to vandalism or creating restrictions on access to energy and destroying the environment and important issues such as unprincipled exploitation, waste of energy and protection of energy resources do not have a place in criminal policies. However, the international community is trying to introduce behaviors that are based on excessive consumption of fossil resources, assaulting the environment and the rights of future generations as the fifth crime of transnational crimes, as an example of the crime of "ecocide". Also, by examining the efforts of the world community to achieve the goals of sustainable development, it is concluded that the world community is moving in the direction that we will probably see the recognition of the crime of ecocide in the near future to protect the environment and future generations at the international level. Therefore, it is necessary to foresee reasonable and implementable measures in accordance with the existing capacities by the domestic legislator to reduce the use of fossil resources that are harmful to the environment and human health. In this regard, the use of nuclear energy is an outdated global policy, and one should think about using solar, wind, sea and geothermal energy and other potentials in the country.

Cite this article: Darabpour, Mohammad Reza; Mehdi Sabooripour. (2023, Autumn& Winter) "Energy Conservation in the light of Sustainable Development Goals from the perspective of national and international legal and criminal Laws". *Energy Law Studies*, 8 (2): 295-314
DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.348326.506>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.348326.506>



صیانت از انرژی در پرتو آرمان‌های توسعه پایدار از منظر قوانین حقوقی و کیفری ملی و بین‌المللی

محمد رضا داراب‌پور^۱ مهدی صبوری‌پور^۲

۱. نویسنده مسئول: استادیار مهندسی عمران موسسه آموزش عالی علامه رفیعی و دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: darabpour@arq.ac.ir
۲. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: M_Sabooripour@sbu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۶/۲۹

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۹/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۱/۱۴

تاریخ چاپ:

۱۴۰۱/۱۲/۲۴

کلیدواژه‌ها:

اکوسایید، توسعه پایدار، حقوق انرژی، صنعت ساخت

نقش و ضرورت وجود قوانین در نحوه استحصال و مصرف انواع منابع انرژی در تمام حوزه‌ها، به‌ویژه در عرصه صنعت ساخت، انکارناپذیر است. مقاله حاضر با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی تلاش نموده، ضمن معرفی مهم‌ترین قوانین بالادستی و معاهدات بین‌المللی مرتبط با حقوق انرژی، الزامات محیط‌زیستی آن را نیز شناسایی کند. هم‌اکنون در حوزه حقوق انرژی، مسئولیت‌ها، عموماً در قلمرو مسئولیت‌های حقوقی و مدنی تعریف شده‌اند و جرم‌انگاری خاصی برای صیانت از انرژی در سطح ملی وجود ندارد. معدود جرایم تعریف‌شده فعلی در حوزه انرژی نیز معطوف به موضوعات مرتبط با خرابکاری یا ایجاد محدودیت برای دسترسی به انرژی و تخریب محیط‌زیست است و مسائل مهمی هم‌چون بهره‌برداری غیراصولی، هدررفت انرژی و صیانت از منابع انرژی در سیاست‌های کیفری جایگاهی ندارد. اما جامعه جهانی در تلاش است رفتارهایی را که مبتنی بر مصرف بی‌رویه منابع فسیلی، تعرض به محیط‌زیست و حتی حقوق نسل‌های بعدی است، به‌عنوان جرم پنجمی از جرایم فراملی، مصداقی از جرم اکوسایید معرفی کند. سرانجام پیشنهاد می‌گردد حاکمیت همگام با جامعه جهانی در صیانت از انرژی، از سطح گفتمان فراتر رفته و از برنامه‌های عملیاتی در کنار آیین‌نامه‌های اجرایی حقوقی و کیفری و مشارکت بخش خصوصی بهره‌برد.

استاد: داراب‌پور، محمد رضا؛ مهدی صبوری‌پور. (پاییز و زمستان ۱۴۰۱) «صیانت از انرژی در پرتو آرمان‌های توسعه پایدار از منظر قوانین حقوقی و کیفری ملی و بین‌المللی»، *مطالعات حقوق انرژی*، ۳۸(۲): ۳۹۵-۳۱۴. DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.348326.506>



© نویسندگان.

DOI: <https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.348326.506>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

به طور خلاصه دو عنصر علم و اقتصاد را می توان به عنوان عناصر قدرت برای یک جامعه معرفی کرد. علم یا دانش مهم ترین مؤلفه (طبرسا و احمدی زاد، ۱۳۹۴: ۱۳۲) و عمل به آن در مقابل شیوه ها و اندیشه های منسوخ در کنار اقتصاد که عمدتاً بر سه پایه آب، انرژی و منابع - اعم از انسانی و غیر انسانی - استوار است، نقش اساسی در نحوه تقسیم قدرت دارند. در نظام کنونی امنیت اجتماعی به همان اندازه که بر ارتش ها اتکا دارد، به منابع انرژی، آبی و غذایی نیز متکی است (زاهدی، ۱۳۹۵: ۳۵). به سخن دیگر، طلای زرد، طلای سیاه (نفت و گاز و سایر معادن)، طلای سبز (جنگل ها و درختان و به طور کلی محصولات کشاورزی) و طلای آبی (منابع آبی) حاصل و محصول مؤثر در اقتصادند.

انرژی عنصری محرک، مولد، درآمدزا و از اجزای جدایی ناپذیر و از کلیدی ترین معیارهای تصمیم گیری در صنعت ساخت است. این موضوع در بسیاری از نظام های ارزیابی ساختمان ها به وضوح دیده می شود، به گونه ای که در بسیاری از معیارها و نظام های ارزیابی ساختمان های سبز، مانند لیبد، وزن شاخص های انرژی نسبت به سایر شاخص ها بیشتر است. میزان نیاز به انرژی در چرخه عمر تمام سازه ها و نحوه پاسخ به این نیاز، رابطه مستقیمی با ارزش ساختمان دارد. ساختمان هایی را که با صرف انرژی کمتر ساخته شده و برای بهره برداری بهینه از آن نیاز به صرف منابع تجدیدناپذیر زیادی نباشد، می توان ساختمانی اقتصادی و درعین حال دوست دار محیط زیست معرفی کرد.

امروزه بیش از ۹۳ درصد انرژی مورد نیاز و صادراتی کشور از منابع فسیلی، نزدیک به شش درصد از منابع برق آبی و کمتر از یک درصد از سایر منابع به دست می آید. مواد اولیه از نوع سوخت های فسیلی برای تأمین انرژی انواع ساختمان ها و سایر صنایع رو به اتمام است. آلودگی حاصله از این سوخت های فسیلی و گران بودن تولید و حمل و نقل و استفاده از آن ها، باعث شده است تا انرژی های تجدیدپذیر و ارزان بیش از پیش در جامعه مهندسی مورد توجه قرار گیرد (Darabpour et al., 2022).

انواع انرژی ها، فایده ها و ضررهای هر کدام از آن ها، سختی و آسانی دسترسی، قیمت هریک و نحوه تولید و توزیع و انتقال آن ها با امعان نظر به نیازهای نسل های آتی باعث شده تا حقوق و تکالیف، خود را نمایان کنند. به این حق ها و تکالیف های مرتبط با این موضوعات که ممکن است توسط دولت ها از طریق قوانین، کنوانسیون ها و توافقات دو یا چند جانبه شکل گیرد و همچنین اتحادیه های بین المللی و نهادهای داخلی و خارجی را درگیر کنند، «حقوق انرژی» می گویند. این حقوق شامل نحوه استفاده از حامل های انرژی نیز می شود و حقوق تولیدکنندگان، نظارت کنندگان و درنهایت مصرف کنندگان، همچنین تکالیف

طرفین خریدوفروش و مسئولیت آن‌ها نسبت به حقوق بشر، به‌ویژه حقوق محیط‌زیست، را نیز دربرمی‌گیرد.

الگوی تولید و مصرف انرژی و قوانین و مقررات مرتبط با آن، دسترسی به استانداردهای بالا در تولید و استفاده از انرژی‌های پاک و ارزان، از شاخص‌های اصلی توسعه پایدار است. یکی از هدف‌های اصلی دستور کار ۲۰۳۰، تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون‌به‌صرفه، مطمئن، پایدار و نوین است.^۱ استفاده از انرژی و مصرف آن با استاندارد مطلوب‌تر، از شاخص‌های اصلی یک نظام اقتصادی قدرتمند و نشانه یک کشور صنعتی است. این دو، رابطه مستقیم با هم دارند. هرچه تولید انرژی پاک بیشتر باشد، زمینه توسعه فراهم‌تر خواهد بود. کشوری که در تولید مطلوب انرژی موفق است، در توسعه پایدار موفق‌تر خواهد بود. در این راستا، تلاش‌های حقوقی ملی و بین‌المللی متعددی انجام شده است، اما وضع نابسامان موجود حکایت از این دارد که قوانین فعلی کارایی و کارآمدی برانده‌ای ندارد و باید چاره‌اندیشی متفاوتی در این باره انجام شود.

۱. ساختار و روش تحقیق

پژوهش پیش‌رو بر مطالعات کتابخانه‌ای استوار بوده و با بهره‌گیری از روش‌های توصیفی-تحلیلی می‌کوشد اهداف و پشتوانه‌های حقوقی و کیفری مرتبط با انرژی را از منظر قوانین داخلی و بین‌المللی به‌منظور اجرای اهداف توسعه پایدار مورد واکاوی قرار دهد. مقاله حاضر در تلاش است، با معرفی مهم‌ترین اسناد موجود در حقوق انرژی و صنعت ساخت و تشریح موضوع صیانت از انرژی در قلمرو حقوق کیفری، توجه جامعه مدیریتی، مهندسی، حقوقی و قانون‌گذار را به مسیری که می‌بایست بپیماید، بیش‌ازپیش جلب کند.

۱. هدف مربوطه در سند ۲۰۳۰ راجع به انرژی پایدار به شرح زیر است:

«هدف اصلی ۷: تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون‌به‌صرفه، مطمئن، پایدار و نوین؛

۷-۱. تضمین دسترسی به خدمات مقرون‌به‌صرفه، مطمئن و نوین در حوزه انرژی تا سال ۲۰۳۰؛

۷-۲. افزایش قابل ملاحظه سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در ترکیب جهانی انرژی تا سال ۲۰۳۰؛

۷-۳. دو برابر کردن نرخ جهانی بهبود بهره‌وری و کارایی انرژی تا سال ۲۰۳۰.

۷-الف) تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای تسهیل دسترسی به فناوری و امکان پژوهش درحوزه انرژی پاک، ازجمله انرژی تجدیدپذیر، ارتقای بهره‌وری و کارایی انرژی و دسترسی به فناوری پیشرفته و پاکیزه‌تر سوخت فسیلی و ترویج سرمایه‌گذاری در تولید زیرساخت‌های انرژی و دسترسی به فناوری تولید انرژی پاک تا سال ۲۰۳۰؛

۷-ب) گسترش زیرساخت‌ها و به‌روزرسانی فناوری برای تأمین خدمات انرژی نوین و پایدار برای همه در کشورهای درحال توسعه؛ به‌ویژه در کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی، کشورهای کوچک جزیره‌ای درحال توسعه و کشورهای درحال توسعه محصور در خشکی، در راستای برنامه‌های حمایتی ویژه این کشورها تا سال ۲۰۳۰.»

۲. تفاوت حق بر انرژی و حقوق انرژی

«حق بر انرژی» در حقوق داخلی به مالکیت گره خورده است. این حقوق در بین دولت‌ها، از عناوین حقوق بین‌الملل عمومی است. این که منابع انرژی هر کشور یا منطقه یا محل متعلق به چه کسی است و یا چه نظام حقوقی بر منابع انرژی فرازمینی (مانند انرژی خورشید) و اخذ مواد انرژی‌ها از منابع فراسرزمینی دیگر حاکم است، بحث از حقوق دولت‌ها و ملت‌هاست. حق بر انرژی در حیطة حقوق بشر نیز می‌گنجد. این که چه کسی، چگونه، چرا، به چه میزان و به چه منظوری باید از انرژی‌های مختلف و در چه جهتی استفاده کند، نیز بحثی فلسفی است که جهت زندگی بشر را تغییر می‌دهد. اما «حقوق انرژی» مرتبط با حقوق و تکالیف دست‌اندرکاران این حیطة است. به سخن دیگر، حقوق انرژی حق و تکلیف دارندگان و مصرف‌کنندگان منابع انرژی (اعم از دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی و چندملیتی) و شرکت‌های تولیدکننده یا استخراج‌کننده این انرژی، سرمایه‌گذاران در این حوزه، واردکنندگان و توزیع‌کنندگان انرژی، سازمان‌ها و اتحادیه‌های کارگری دست‌اندرکار و متخصصان مراحل مختلف تولید، فرآوری و فناوری و شیوه مصرف و درنهایت مصرف‌کنندگان انرژی در خانه و کارخانه و حتی زیان‌دیدگان از همه مراحل پیش‌گفته را تدوین، تنظیم و تعدیل می‌کند (داراب‌پور و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۲۹).

۳. دست‌اندرکاران حقوق انرژی

مؤسسات، شرکت‌ها و سازمان‌های متعددی دست‌اندرکار حیطة حقوق و سیاست‌های بخش انرژی بوده و هستند که مسائل محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی آن را پوشش می‌دهند. مهم‌ترین نهادهای مرتبط با حقوق انرژی، سازمان ملل متحد، بانک جهانی، اتحادیه اروپا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند. سازمان ملل با توجه به محیط‌زیست، بانک جهانی با رغبت در ارتباطات تجاری و تقویت رشد کشورهای کمتر توسعه‌یافته و اتحادیه اروپا با امعان نظر به سیاست‌گذاری در تولید و مصرف انرژی و آژانس انرژی اتمی در نقش رهبری در صنعت بین‌المللی انرژی اتمی، جلوه‌های خاصی کرده‌اند.

انرژی و صنعت آن، در برخی کشورها در مالکیت دولت، ملی و انحصاری است و مردم عموماً در آن دخالت مستقیم ندارند. در گذشته انرژی کاملاً در اختیار دولت‌ها بود. برنامه‌ریزی و کنترل آن نیز بالطبع مرتبط با دولت‌ها می‌شد؛ حتی مشارکت خصوصی در امور انرژی هم تحت کنترل و زعامت دولت انجام می‌گرفت. اما امروزه در کشورهای توسعه‌یافته، آن ساختار عمودی رو به اضمحلال است. اکنون انرژی عمدتاً تحت کنترل شرکت‌های خصوصی ملی، فراملی و سازمان‌های غیردولتی است. تولید، استخراج، نگهداری، توزیع، انتقال انرژی‌های مختلف و دفع پسماندها و بازیافت آن‌ها همگی در اختیار بخش

خصوصی است.^۱ البته دولت‌ها برای حفظ محیط‌زیست و حقوق بشر گاهی اقدام به وضع قوانین برای توقف موقت یا دائمی و یا تعلیق برخی از فعالیت‌ها به‌منظور کاهش آثار مخرب محیط‌زیست می‌کنند و ارگان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نیز دولت‌ها را در این راستا یاری می‌رسانند.

ایران به‌واسطه منابع سرشار فسیلی، انرژی را آسان به‌دست می‌آورد و همین نعمت خدادادی سبب شده است تا بی‌پروا منابع خود را بر باد دهد. به نظر می‌آید، مهم‌ترین ضعف سیاست‌های داخلی در حوزه انرژی، ناشی از ورود بیش از حد دولت در موضوع تولید و ارائه انرژی است. افزون‌براین، دولت نیز رغبتی برای پوشش ناتوانی‌هایش با کمک بخش خصوصی داخلی و فراملی از خود نشان نمی‌دهد.

۴. اسناد بالادستی و قوانین برنامه‌ای انرژی

مقوله انرژی دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از قوانین، معیارها و نظام‌نامه‌هاست و بررسی تمام ابعاد مهندسی و حقوقی آن خارج از اهداف این نوشتار است. بنابراین، در اینجا صرفاً خلاصه‌ای از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با بحث به رشته تحریر درآمده است. موارد زیر در این بخش دارای اهمیت است:

۱. سیاست‌های کلی نظام درباره موضوع انرژی مصوب ۱۳۷۷ ابلاغی ۱۳۷۹؛

۲. قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی مصوب ۱۳۸۹؛

۳. برنامه پنج‌ساله توسعه ششم مصوب ۱۳۹۵؛

۴. اساسنامه سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی (ساتبا) مصوب ۱۳۹۵؛

۵. آیین‌نامه اجرایی صرفه‌جویی مصرف انرژی در ساختمان‌ها مصوب ۱۳۹۶؛

۶. سند ملی راهبرد انرژی کشور مصوب ۱۳۹۶؛

۷. ضوابط صرفه‌جویی انرژی در ساختمان‌ها مصوب ۱۴۰۰.

به‌منظور حفظ و ارتقای بهره‌وری انرژی و استفاده منطقی و بهینه از آن، بدون کاهش سطح رفاه اجتماعی و سطح تولید ملی، سیاست‌ها و اسناد بالادستی زیادی در حوزه انرژی تبیین شده است. سیاست‌های کلی ایران در موضوع انرژی به دو گروه اصلی سیاست‌های کلی نفت و گاز و سیاست‌های کلی سایر منابع انرژی تقسیم شده است. سیاست‌های کلی نظام درباره انرژی‌های تجدیدپذیر در چهار محور زیر خلاصه می‌شود:

۱. به‌موجب قانون اساسنامه سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) مصوب ۱۳۹۵/۱۰/۲۷، «سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق» به‌صورت مؤسسه دولتی وابسته به وزارت نیرو تشکیل گردید.

۲. افزون بر قوانین نامبرده، می‌توان به قانون‌های هدفمندی یارانه‌ها، تکالیف بیست‌گانه مصوبه هیأت دولت (مورخ ۸۸/۳/۲) جهت اصلاح الگوی مصرف انرژی نیز اشاره کرد.

۱. ایجاد تنوع در منابع انرژی کشور و استفاده از آن با رعایت مسائل زیست محیطی و تلاش برای افزایش سهم انرژی های تجدیدپذیر با اولویت انرژی های آبی؛
۲. تلاش برای کسب فناوری و دانش هسته ای و ایجاد نیروگاه های هسته ای به منظور تأمین سهمی از انرژی کشور و تربیت نیروهای متخصص؛
۳. گسترش فعالیت های پژوهشی در امور انرژی های گدخت هسته ای و مشارکت و همکاری علمی و تخصصی در این باره؛

۴. تلاش برای کسب فناوری و دانش فنی انرژی های نو و ایجاد نیروگاه هایی، همانند بادی و خورشیدی و پیل های سوختی و زمین گرمایی در کشور.

ظاهراً سیاست های اصلی اتخاذی کشور به طور مستقیم درباره منابع انرژی بیشتر براساس رویکرد نفتی، گازی، برق آبی و هسته ای بنا نهاده شده است و انرژی های پاک در جایگاه بسیار پایین تری نسبت به سایر گزینه ها قرار دارند. در مقابل کشورهای توسعه یافته و حتی کشورهای نفت خیزی مانند آمریکا و برخی کشورهای عربی و حتی کشورهایی که به فناوری های هسته ای دسترسی دارند، روش های استحصال انرژی از منابع فسیلی و حتی هسته ای را قدیمی و با بازده پایین می دانند. اما رویکرد داخلی نسبت به انرژی، پس از گذشت سال ها از ابلاغ سیاست های کلی نظام در بخش انرژی، همچنان روند سنتی و ناکارآمد خود را دنبال می کند. آثار این رویکرد در بخش ده برنامه ششم توسعه (انرژی، صنعت و معدن) نمود بیشتری یافته است.

قوانین برنامه ای متعددی برای افزایش ارزش افزوده انرژی و تکمیل زنجیره ارزش و کاهش شدت مصرف انرژی وجود دارد. یکی از مهم ترین این برنامه ها، ماده ۴۴ قانون برنامه ششم توسعه است. براساس جزء اول از بند «الف» این ماده، دولت مکلف بود ترتیبی اتخاذ نماید که تلفات انرژی در بخش ساختمان، سالانه پنج درصد کاهش یابد. در همین راستا، اولین آیین نامه اجرایی کاهش تلفات مصرف انرژی ساختمان در پاییز ۱۳۹۶ به تصویب هیأت وزیران رسید. براساس ماده ۲ این آیین نامه، «کلیه اشخاص ذی صلاح دارای پروانه اشتغال به کار از وزارت راه و شهرسازی و سایر دست اندکاران ساخت و ساز مکلف اند الزامات فنی و ترتیبات اجرایی این آیین نامه را در چهارچوب مباحث مقررات ملی ساختمان رعایت نمایند». از دیگر سیاست های موجود می توان به ماده ۸ ضوابط اجرایی قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور مصوب هیأت وزیران اشاره کرد که به دستگاه های اجرایی این اجازه را داده است تا یک درصد از اعتبارات ابلاغی را به منظور استقرار سامانه های مدیریت سبز و بهینه سازی مصرف انرژی اختصاص دهند.^۱ از طرفی به موجب ماده ۴۱ همان ضابطه تأمین و جایگزینی تجهیزات انرژی مورد نیاز

۱. هم اکنون بهترین ابزار برای اجرای سازوکارهای مدیریتی سبز و مصرف انرژی، استاندارد مدیریت انرژی (ISO5001) است.

در دستگاه‌های دولتی باید حداقل دارای برچسب انرژی «ب» باشند. افزون‌براین، برای کلیه دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، اجرای برنامه‌های فرهنگ‌سازی در مصرف انرژی الزامی شده است.

تصویب قانون «ضوابط صرفه‌جویی انرژی در ساختمان‌ها» در سال ۱۴۰۰ را می‌توان گامی دیگر در صیانت از انرژی به‌شمار آورد. براساس این قانون، دریافت رده انرژی برای ساختمان‌های نوساز، شرط اصلی برای دریافت پایان کار ذکر شده است. این قانون سیاست‌های تشویقی (تخفیف برای هزینه‌های انرژی) و تنبیهی (افزایش گازبها و تعرفه برق برای ساختمان‌های فاقد برچسب انرژی) را در نظر گرفته است که می‌تواند تأثیر شگرفی در مقوله صیانت از انرژی داشته باشد.

هم‌چنین براساس ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی صرفه‌جویی مصرف انرژی در ساختمان‌ها، کلیه دستگاه‌های اجرایی برای جهت‌گیری به سوی ساختمان سبز، موظف بودند حداکثر ظرف دو سال پس از ابلاغ مقررات ملی ساختمان (پایان سال ۱۳۹۹) موضوع ماده «۳» این آیین‌نامه، نسبت به ممیزی انرژی^۱ و تعیین وضعیت ساختمان خود اقدام و برنامه‌های اجرایی را برای بهبود عملکرد مصرف و رسیدن به حد الگوی مصرف انرژی تهیه و نسبت به انجام اصلاحات ساختمانی و تعبیه سامانه‌های کنترلی لازم اقدام کنند. اگرچه دولت در سال ۱۴۰۰ وارد مرحله جدیدی از اقدامات عملیاتی برای حفاظت از انرژی شد؛ اما همچنان در اجرای برنامه‌های قبلی خود به جایگاه شایسته‌ای نرسیده است. بنابراین چگونه می‌توان انتظار داشت زمانی که مراحل عملیاتی قبلی در حوزه انرژی ناقص و ناتمام است، وارد مرحله جدیدی از عملیات اجرایی شد!

با توجه به وجود نظام‌های ارزیابی زیست‌محیطی، شاید بتوان اضافه شدن ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی صرفه‌جویی مصرف انرژی را نخستین تلاش رسمی دولت برای تشکیل شورای ساختمان‌های سبز و معرفی یک نظام ارزیابی پایداری ساختمان (دست‌کم در بخش انرژی) دانست. این ماده اشعار می‌دارد: «صدور گواهی ممیزی و تعیین رده انرژی^۲ ساختمان‌های دستگاه‌های اجرایی توسط شرکت‌های دارای صلاحیت از سازمان برنامه و بودجه کشور در تخصص مربوط و در مورد سایر ساختمان‌ها، توسط اشخاص دارای صلاحیت از وزارت راه و شهرسازی انجام خواهد شد».

۱. ممیزی انرژی: مجموعه مطالعات و فعالیت‌های فنی و اقتصادی که منجر به شناخت و ارزیابی نحوه، میزان و محل مصرف حامل‌های انرژی، تلفات انرژی و عوامل مؤثر در آن می‌شود و موجب ارائه شیوه ارتقای سطح بازدهی مصرف حامل‌های انرژی و روش‌های اعمال مدیریت انرژی در کارخانه‌ها، ماشین‌آلات، تجهیزات، فرایندهای صنعتی و ساختمان‌ها می‌شود.
۲. رده انرژی: معیار ارزیابی کارایی و عملکرد مصرف انرژی در ساختمان براساس مبحث «۱۹» مقررات ملی ساختمان.

قانون برنامه ششم توسعه کشور، در مواد ۱۴۵ و ۱۲۰ خود سیاست‌هایی را تبیین کرد که به تصویب برنامه اجرایی «طرح جامع انرژی کشور» در سال ۱۳۹۶ توسط هیأت‌وزیران منتج گردید. این سند بالادستی که با عنوان «سند ملی راهبرد انرژی کشور» شهرت یافته، بیانگر چهارچوب سیاست‌گذاری‌ها در حوزه انرژی تا افق سال ۱۴۲۰ است. این سند به‌ترتیب در سه محور، تنگناها و چالش‌های حوزه انرژی کشور، آرمان‌ها و اهداف کلان بخش انرژی و راهبردهای بخش انرژی (راهبردهای کلی بخش انرژی، نفت و گاز، برق، انرژی اتمی و زغال‌سنگ)، سیاست‌های راهبردی خود را معرفی می‌کند. این سند در بخش «الف» عمده چالش‌های انرژی کشور را در بیست‌وشش مورد طبقه‌بندی می‌نماید. روشن است که سیاست‌های کلان مهندسی و مدیریتی باید برای پاسخ به این چالش‌ها خود را مقید بدانند.

با توجه به اسناد موجود، عمده چالش‌های حوزه انرژی کشور با محوریت مشکلات نفتی و صنایع مرتبط با آن تعریف شده و همچنان موضوع انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر در سیاست‌های عملیاتی و کلان، جایگاه برانده‌ای ندارد. این امر در بند «ب» سند راهبرد انرژی کشور نیز نمود بیشتری یافته است. همچنین در سند ملی راهبرد انرژی، اهداف کلان چهارده‌گانه‌ای بیان شده است. اما درباره تلاش‌های ملی برای گسترش بهره‌وری از منابع تجدیدپذیر به‌جز انرژی‌های برق‌آبی، تلاش‌های عملیاتی ملموس، غیرتبلیغاتی و غیرسیاسی دیگری قابل ذکر نیست.

وجود برخی کاستی‌ها و موانع برای رونق و توسعه صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر در کنار ضرورت حمایت‌های حاکمیتی در این مقوله، سبب شد لایحه اساسنامه «سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی ایران (سایا)» در سال ۱۳۹۵ به تصویب برسد. با تصویب این قانون، مسئولیت‌های «سازمان بهره‌وری انرژی ایران (سایا)» و «سازمان انرژی‌های نو ایران (سانا)» به‌همراه اعتبارات، بودجه، اموال و دارایی‌ها، تعهدات، بدهی‌ها و همچنین منابع انسانی به سازمان سایا انتقال یافت. نظر به این لایحه، سیزده وظیفه، از جمله تهیه و تدوین برنامه‌ها، مقررات و ضوابط لازم برای ارتقا و توسعه کاربرد انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک، مدیریت تقاضای انرژی‌های الکتریکی، به‌کارگیری بخش غیردولتی و حمایت از آن و استفاده از ظرفیت خارجی، تدوین معیارها، جداول تعرفه، قیمت‌های خرید تضمینی و شماری از اختیارات حمایتی به این سازمان تفویض شد.

۱. ماده ۴۵ برنامه ششم توسعه: «وزارتخانه‌های نفت و نیرو موظفانند با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، برنامه اجرایی «طرح جامع انرژی کشور» را تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه در چهارچوب قوانین مربوطه و در راستای سند ملی راهبرد انرژی کشور مصوب شورای عالی انرژی کشور، تهیه کنند و به تصویب هیأت وزیران برسانند».

۲. براساس ماده ۱۲۰ برنامه ششم توسعه، دولت موظف است تا انتهای سال ۹۷، سه سند ملی کار شایسته، راهبرد انرژی کشور و توانمندسازی و ساماندهی و توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی با رعایت قوانین و مقررات مربوطه تهیه و به تصویب هیأت‌وزیران برساند».

«قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی» مصوب ۱۳۸۹ نیز یکی دیگر از مهم‌ترین قوانین مرتبط با انرژی در صنعت ساخت است که در فصل پنجم، به ضوابط مرتبط با فعالیت‌های ساختمانی و سیاست‌های انرژی می‌پردازد، اما این قانون به علت نبود زیرساخت‌های فنی و قانونی در عمل برای دستیابی به اهداف تعریف‌شده، موفقیت‌آمیز نبوده است.

۵. اسناد و کنوانسیون‌ها

چنانکه گذشت، حقوق مرتبط با انرژی، با حقوق بشر، به‌ویژه حقوق محیط‌زیست نیز مرتبط است. ماده ۱۹ معاهده منشور انرژی (اخوان‌فرد و تقدیر، ۱۳۸۹: ۱۵-۲۹) و پروتکل کارایی انرژی و ابعاد زیست‌محیطی آن، این موضوع را بیشتر تعیین می‌کنند. اصول و قواعد الزام‌آور مهمی در کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی و پروتکل کیوتو آمده است. قواعد انرژی در حقوق سخت، برای مثال، در قالب معاهده منشور انرژی و حقوق نرم در قالب اعلامیه‌ها، آیین‌نامه‌های رفتاری و دستورالعمل‌های زیست‌محیطی در حوزه انرژی، به منصفه ظهور رسیده‌اند.

معاهدات بین‌المللی درباره مجموعه‌ای از فعالیت‌های مرتبط با انرژی وضع شده است که بیشتر مرتبط با لایه ازن، تغییرات آب‌وهوایی، دسترسی به اطلاعات و مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی و دسترسی به عدالت و ارزیابی آثار محیطی در ورای مرزها و مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های خطرناک برای محیط‌زیست است. در همین راستا، براساس استاندارد ایزو ۱-۲۱۹۲۹، نخستین شاخص مورد ارزیابی برای یک ساختمان پایدار، میزان انتشار آلاینده در هوا و جو با توجه به ظرفیت‌های گرم نمودن زمین و تخریب لایه ازن است. کنوانسیون‌ها و پروتکل‌هایی که در ادامه خواهند آمد، نمونه‌هایی از این اسناد بین‌المللی است.

۵.۱. کنوانسیون مرتبط با لایه ازن

مهم‌ترین اسناد مرتبط با لایه ازن عبارت‌اند از:

۱. کنوانسیون وین درباره حفاظت از لایه ازن^۱ (وین، ۲۲ مارس ۱۹۸۵)؛
۲. پروتکل مونترال درباره مواد مضر برای لایه ازن (مونترال، ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷) و اصلاحیه کیگالی (رواندا، اکتبر ۲۰۱۶).

کنوانسیون حفاظت از لایه ازن دارای دو محور اصلی است؛ نخست، به رسمیت شناختن بحران کاهش لایه ازن و نقش مؤثر انسان به‌عنوان عامل اصلی و دوم، تشویق دولت‌ها برای رعایت

۱. مصوب ۱۳۶۸/۹/۷ مجلس شورای اسلامی (الحاق ایران به این کنوانسیون و پروتکل مونترال).

استانداردسازی های حفاظت از هوا، به ویژه لایه اوزون، درعین دارا بودن حق بهره برداری آزادانه از منابع براساس اصل حاکمیت دائمی دولت ها بر منابع طبیعی همراه با مسئولیت و با رعایت اصل استفاده غیرزیان بار از سرزمین است (رضانی قوام آبادی، ۱۳۸۶: ۵۷-۷۳). تنها تعهد و مسئولیت اعضای کنوانسیون، ارائه سازوکار اطلاع رسانی کشورها به یکدیگر، انجام مشورت و همکاری بین المللی برای یافتن راه حل هاست.

۲.۵. کنوانسیون چهارچوب تغییرات آب و هوایی و پروتکل کیوتو

اسناد مرتبط با تغییرات آب و هوایی شامل موارد زیر و اصلاحات آن هاست:

۱. کنوانسیون ملل متحد درباره چهارچوب تغییرات آب و هوایی (ریو، ۹ می ۱۹۹۲):
 ۲. پروتکل کیوتو درباره کنوانسیون ملل متحد درخصوص چهارچوب تغییرات آب و هوایی (کیوتو، ۱۱ دسامبر ۱۹۹۷)، اصلاحیه دوحه (۸ دسامبر ۲۰۱۲) و توافق آب و هوایی پاریس (۲۰۱۵).
- اگرچه این کنوانسیون و پروتکل آن با شناسایی تغییرات اقلیمی به عنوان «نگرانی مشترک بشریت»، بیشتر یک معاهده زیست محیطی شناخته می شوند (حبیب زاده و منصوری، ۱۳۹۳: ۹۱-۱۲۰)، اما آثار این معاهده در حقوق انرژی بسیار بوده است؛ از جمله این آثار که توسط بانک جهانی مورد تأکید قرار گرفته اند می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. تأثیر اقدامات تغییرات اقلیمی بر صنایع با مصرف انرژی بالا؛ ۲. آثار صنعتی ویژه مالیات های کربن و استانداردهای کارایی انرژی؛ ۳. اثر مالیات کربن و استانداردهای کارایی انرژی بر رقابت صادرات؛ ۴. صنایع مورد نظر برای استانداردهای بالاتر کارایی انرژی؛ ۵. ایجاد رقابت بین صنایع به واسطه اقدامات در مورد کاهش تغییرات اقلیمی.^۱

هرچند پروتکل کیوتو در سال ۱۹۹۷ امضا و تصویب شد، اما تا سال ۲۰۰۵ لازم الاجرا نشده بود. این پروتکل براساس مواد ۶، ۱۲ و ۱۷، سه سازوکار اصلی برای رسیدن به اهداف خود دارد: ۱. سازوکار تجارت بین المللی انتشار (نظام کنترل و تجارت گازهای گلخانه ای)؛ ۲. سازوکار توسعه پاک؛ ۳. سازوکار اجرای مشترک. این سازوکارها به برانگیزش سرمایه گذاری سبز^۵ کمک می کنند و به طرفین برای رسیدن به اهداف الزام آور کاهش انتشار گازهای گلخانه ای به روش مقرون به صرفه و اقتصادی کمک

1. See: The International Bank for Reconstruction and Development, The World Bank, (2018), "International Trade and Climate Change: Economic, Legal, and Institutional Perspectives", USA.

2. International Emissions Trading

3. Clean Development Mechanism (CDM)

مطابق آمار چهارچوب کنوانسیون سازمان ملل درباره تغییرات اقلیمی (UNFCCC)، تا کنون ۲۲ پروژه ثبت شده سازوکار توسعه پاک در ایران اجرا شده است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: <https://cdm.unfccc.int/Projects/projsearch.html>

4. Joint Implementation

5. Green Investment

شایانی می‌نمایند. این پروتکل شامل اصول پایه‌ای درباره «مسئولیت مشترک اما متفاوت»^۱ است (عبداللهی و معرفی، ۱۳۸۹: ۱۹۹-۲۲۴). اجلاس پروتکل کیوتو از سال ۲۰۰۷ به صورت سالانه برگزار می‌شود. اجرای این پروتکل در حوزه انرژی می‌تواند آثار بسیار متفاوتی برای کشورهای مختلف داشته باشد؛ برای نمونه، استفاده از سازوکارهای مالی کنوانسیون و تسهیلات محیط‌زیست جهانی به منظور افزایش بهره‌وری انرژی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در قالب سازوکارهای پروتکل کیوتو قابل تصور است و این امر می‌تواند به کاهش تقاضای جهانی برای سوخت‌های فسیلی بینجامد (رحیمی و بختیار، ۱۳۸۹: ۷۹-۹۴). از این رو کشورهایی که اقتصاد آن‌ها وابسته به منابع انرژی فسیلی، به ویژه نفت و گاز است، مخالفان جدی این پروتکل بوده‌اند. از سوی دیگر، اجرای پروتکل کیوتو و لزوم افزایش بازدهی انرژی و به کارگیری انرژی‌های نو برای بسیاری کشورها، به معنای کاهش وابستگی به انرژی‌های تجدیدناپذیر است.^۲

از آنجاکه پروتکل کیوتو از طریق ایجاد سازوکارهای بین‌المللی، ملاحظات زیست‌محیطی گسترده‌ای را در مقوله انرژی درج کرده است، به نظر می‌رسد که می‌توان این پروتکل را زیربنای اساسی هرگونه توافق بین‌المللی بعد از خود درباره تضمین رعایت توسعه پایدار در حوزه حقوق انرژی دانست.

پس از این که در اجلاس کپنهاگ ۲۰۰۹، کشورهای عضو نتوانستند درباره یک پروتکل بین‌المللی جدید در زمینه کاهش گازهای گلخانه‌ای به توافق برسند، دور دوحه ۲۰۱۲ با دستور کار گسترش الزامات اجرایی معاهده کیوتو با محوریت توافق درباره کنترل میزان مصرف سوخت‌های فسیلی در کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان، تشکیل گردید. در عین حال در اجلاس دوحه درباره تأمین بودجه چندین میلیارد دلاری برای کمک به کشورهای آسیب‌پذیر برای انطباق خود با الزامات ناشی از تغییرات جوی کره زمین نیز بحث و گفت‌وگو شد. از مهم‌ترین دستاوردهای دور دوحه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ایجاد تعهدات جدید برای طرف‌های پیوست I پروتکل کیوتو (کشورهای صنعتی) که انجام تعهدات در دوره دوم تعهد (از یکم ژانویه ۲۰۱۳ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۰) را نیز پذیرفته بودند؛
۲. تهیه فهرست تجدیدنظرشده در گازهای گلخانه‌ای (GHG) که توسط طرفین در دوره دوم گزارش می‌شود؛

1. Common but Differentiated Responsibility

۲. اعمال فشارهای اقتصادی و سیاسی توسط کشورهای دارای منابع عظیم انرژی‌های فسیلی، به ویژه نفت و گاز، به سایر کشورها همیشه محل بحث، اختلاف و نزاع بوده است. فشار اوپک بر ایالات متحده و اسرائیل در دهه هفتاد میلادی، قطع گاز اروپای شرقی و مرکزی توسط روسیه در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۲۲ و ایجاد محدودیت‌های صادرات گاز ترکمنستان به ایران در سال ۲۰۱۷، از این نمونه هستند. کنترل شریان انرژی، به نوعی کنترل اقتصادی را نیز به همراه دارد. از همین روست که اقتصاددانان و سیاست‌مداران کشورهای نیازمند به این نوع انرژی‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های متعددی برای مدیریت این بازار و تحت کنترل درآوردن کشورهای تولیدکننده، برای امنیت خود و رقابت با رقبای دارند (رک: کریمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۵-۱۸۰؛ موسوی شفاپی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۲-۱۱۰؛ باقیان زارچی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۱-۱۸۵؛ طاهری و ملایی، ۱۳۹۰: ۶۹-۸۶؛ طاهری، ۱۳۸۷: ۶۵-۹۰).

۳. اصلاحات چندین ماده پروتکل کیوتو که به طور خاص موضوعات مربوط به دوره اول تعهد را مورد اشاره قرار داده است که برای دوره دوم تعهد مورد نیاز بودند.

توافق نامه تاریخی پاریس با هدف تقویت واکنش و توان پاسخگویی جهانی به تهدیدات تغییرات اقلیمی، سرمایه گذاری برای اقتصاد کم کربن، مقاوم، انعطاف پذیر و پایدار و برنامه ریزی جدید برای کاهش رشد دما و حرارت زمین زیر دو درجه سانتیگراد در قرن بیست و یکم و حتی تلاش بیشتر برای حفظ رشد دما زیر یک و نیم درجه سانتیگراد در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ توسط ۱۹۵ کشور مورد موافقت قرار گرفت. افزون بر این، توافق نامه یاد شده به منظور تقویت توانایی کشورها برای مقابله با آثار تغییرات اقلیمی منعقد شده است. برای رسیدن به این هدف بلندپروازانه، «جریان های مالی مناسب»، «چهارچوب فناورانه جدید» و «چهارچوب تقویت ظرفیت سازی افزایش یافته»^۱ به کار گرفته شد. این توافق نامه، همچنین چهارچوب پیشرفته تری را برای افزایش شفافیت عمل و پشتیبانی به کار گرفته است. در قالب این توافق نامه، از سال ۲۰۲۳ و هر پنج سال، اعضا برای ارزیابی پیشرفت های جمعی برای رسیدن به اهداف موافقت نامه و اطلاع از عملکردهای انفرادی اعضا و نیازهای احتمالی برای بازنگری جهانی تشکیل جلسه خواهند داد. تمام طرف های توافق نامه پاریس ملزمند بهترین تلاش خود را در قالب «همکاری های ملی معین»^۲ و تقویت این تلاش ها در سال های پیش رو انجام دهند. این تلاش ها شامل الزامات متعددی است؛ از جمله آن ها می توان به الزام همه طرف ها برای گزارش میزان انتشار گازهای گلخانه ای به طور منظم، جزئیات اولویت های انطباق، برنامه ها و نیازهای حمایتی و همچنین گزارش «تلاش های اجرایی»^۳ اشاره کرد که محل بحث این نوشتار نیستند. همچنین شورای جهانی ساختمان های سبز نیز اهداف خود را کاملاً منطبق بر اهداف یاد شده تبیین کرده است. افزون بر این، معیارهای ساختمان های پایدار، همانند استاندارد ایزو، به صراحت توجه ویژه ای به این موضوعات نموده اند. این شباهت در اهداف، بیانگر نقش شگرف کنوانسیون ها و تعهدات بین المللی در صنعت ساخت است.

اسناد و کنوانسیون های متعدد دیگری نیز وجود داشته که با حوزه انرژی ارتباط تنگاتنگی دارند. مهم ترین این کنوانسیون ها عبارتند از:

۱. کنوانسیون آرهوس درباره دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم سازی و دسترسی به عدالت در خصوص مسائل زیست محیطی (آرهوس، ۲۵ ژوئن ۱۹۹۸)، اصلاحیه آلمانی و پروتکل کیف؛
۲. کنوانسیون ارزیابی آثار زیست محیطی در سیاق فرامرزی (اسپو، ۲۵ فوریه ۱۹۹۱)؛

1. Enhanced Capacity Building Framework
 2. Nationally Determined Contributions (NDCs)
 3. Implementation Efforts

۳. کنوانسیون لوگانو دربارهٔ مسؤلیت مدنی برای خسارت ناشی از فعالیت‌های خطرناک برای محیط‌زیست (لوگانو، ۲۱ ژوئن ۱۹۹۳ که لازم‌الاجرا نشده است).

۶. سیاست تقنینی حقوق کیفری در صیانت از انرژی

برخی پژوهشگران در تلاش برای یافتن حمایت‌های سیاست جنایی ملی و بین‌المللی در موضوع انرژی، آن را بیشتر به اعمال تروریستی و خرابکاری در صنایع انرژی، سرقت و ایجاد مانع برای دسترسی به انرژی معطوف دانسته‌اند (اسدی جنوشی و وروائی، ۱۳۹۸: ۳۲۲-۳۴۷)؛ درحالی‌که ابزار حقوق کیفری می‌تواند با گسترش خود، نه به‌عنوان سیاست کیفردهی محض و به قصد افزودن به سیاههٔ جرم، بلکه با توجه به آموزه‌های جرم‌شناسی به‌عنوان ابزاری پیشگیرانه در بهره‌برداری صحیح از انرژی و منابع آن مورد استفاده قرار گیرد. قوانین کیفری داخلی نیز در صیانت از انرژی، جامعیت لازم را ندارد. به‌هرحال، مهم‌ترین قوانین کیفری مرتبط با حقوق انرژی را می‌توان به قرار زیر برشمرد:

۱. قانون راجع به مجازات اخلاف گران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶؛
۲. قانون سازمان برق ایران مصوب ۱۳۴۶؛
۳. قانون مجازات اخلاف گران در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور مصوب ۱۳۵۱؛
۴. قانون مجازات اخلاف گران در صنایع مصوب ۱۳۵۳؛
۵. قانون حفاظت و به‌سازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳؛
۶. لایحهٔ قانونی رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۹؛
۷. قانون مجازات استفاده‌کنندگان غیرمجاز آب، برق، تلفن، فاضلاب و گاز مصوب ۱۳۹۶؛
۸. قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶.

جدای از آنچه در بحث‌های خرابکاری در صنایع مرتبط با انرژی، ایجاد محدودیت در دسترسی و سرقت یا استفادهٔ غیرمجاز از انرژی در حقوق کیفری مطرح می‌شود، صیانت از انرژی از منظر حقوق کیفری در دو بخش دیگر نیز قابل بحث است؛ در بخش اول، سخن از آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از استحصال انرژی، به‌ویژه انرژی‌های تجدیدناپذیر، مطرح است و در بخش دوم، جرایم مربوط به استفادهٔ بی‌رویه از منابع انرژی و رفتارهای ناقض حقوق توسعهٔ پایدار و نسل‌های آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶.۱. سیاست‌های محیط‌زیستی حقوق کیفری در فرایند استحصال انرژی

فرایند تولید انرژی از منابع فسیلی ناگزیر با گسترش آلودگی‌های محیط‌زیستی و تخریب لایهٔ اوزون همراه است. مسؤلیت مدنی آلوده‌کنندگان محیط‌زیست توسط پژوهشگران زیادی مورد کنکاش قرار گرفته

است و نمی توان درباره آن تشکیک نمود. اما در این میان، این پرسش مطرح است که آیا به بهانه تولید انرژی می توان آلوده کنندگان محیط زیست را میراً از مسئولیت کیفی دانست؟ یا این که آیا اصلاً ضمانت اجرای کیفی برای مقابله با این گونه رفتارها وجود دارد؟ برای مثال، اگر شهرهای ایران، همانند تابستان سال های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ با کمبود انرژی روبه رو شوند، آیا متولیان امر مجازند که صرفاً برای برآورده نمودن نیازهای انرژی شهر، به سوزاندن مازوت اقدام و بحران های محیط زیستی ایجاد کنند؟

در نگاه نخست، تولید انرژی پدیده ای حاکمیتی نیست، بلکه رفتاری خدماتی است. بدیهی است که ارائه خدمات، نباید بحران ساز باشد. مدیران و تصمیم سازان دولتی به خوبی می دانند چه رفتارهایی در تولید انرژی منسوخ بوده و به ضوابط بهداشتی در تولید انرژی نیز آگاه هستند و احراز تقصیر آنان در تولید آلاینده های انرژی چندان پیچیده نیست. با وجود این، دست کم امروزه نمی توان برای دولت ها در سطح ملی به عنوان مجموعه ای واحد در بحث تولید انرژی از راه های غیراستاندارد قائل به مسئولیت کیفی بود. اما این موضوع ملازمه ای با این امر ندارد که نتوان مدیران مربوطه را از منظر حقوق کیفی بازخواست کرد. در سیاست جنایی ایران، حمایت کیفی از محیط زیست عموماً در قالب جرم انگاری رفتارهای مخرب علیه درختان، پسماندها، آلودگی هوا، آب و خاک و هم چنین تهدید علیه بهداشت عمومی مطرح بوده است. اما قوانین محیط زیستی جامعیت و انسجام لازم را ندارد. افزون بر این، مجازات های در نظر گرفته شده، چنان ناچیز است که نتوانسته اند به نحو شایسته ای اهداف حمایتی و پیشگیرانه مورد نظر را فراهم آورند (احمدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۷-۵۴).

به هر حال، تولید انرژی به هر قیمت و ایجاد آلاینده های محیطی می تواند تهدیدی علیه بهداشت عمومی و هوای پاک تلقی شده و به موجب ماده ۶۸۸ ق.م.ا.ت تا یک سال حبس برای مرتکب به همراه داشته باشد. از سویی، چنانچه کسی به علت وجود این آلودگی ها آسیب جسمی ببیند یا فوت کند، از باب تسبیب می توان مسبب این امر را از منظر کیفی نیز تحت تعقیب قرار داد. نظر به بند «پ» ماده ۲۹۱ ق.م.ا. هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، چنانچه در تعریف جنایت عمدی ننگجد، جنایت شبه عمدی به شمار می آید. در این که تولید انرژی و ارائه خدمات به شهروندان فعلاً از وظایف حاکمیت است، بحثی نیست، اما اگر ارائه این خدمات به مرگ یا به سخن بهتر، قتل شبه عمد شهروندی بینجامد، وجود مسئولیت کیفی جای تأمل خواهد داشت و چه بسا دولت یا مقصران این امر را بتوان دست کم از باب پرداخت دیه مسئول شناخت.

وانگهی، نظر به تبصره ۲ ماده ۳ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶، استتکاف مسئولان و مدیران دستگاه ها و ارگان های ذی ربط از همکاری و رعایت الزامات اعلامی سازمان حفاظت محیط زیست مرتکب را یک تا پنج سال از خدمات دولتی منفصل خواهد کرد. هم چنین وفق تبصره ۲ ماده ۱۲ همان قانون، عدم رفع آلودگی و عدم تغییر فرایندهای استحصال انرژی از شیوه های مخرب محیط زیستی به

شیوه‌های پاک، مجازات‌های مالی به‌همراه خواهد داشت. بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط کرد که مدیرانی که تولید انرژی را به هر شیوه‌ای تجویز می‌کنند، چنانچه معیارهای موجود سازمان حفاظت محیط‌زیست را نقض نمایند، مرتکب جرم شده و قابل مجازات هستند.

۲.۶. حمایت‌های سیاست کیفری در پرتو آرمان‌های توسعه پایدار

برآورده کردن نیاز انرژی امروز، بدون توجه به حقوق نسل‌های آتی برای برآورده ساختن نیازهایش، با آرمان‌های توسعه پایدار در تناقض بوده و چه‌بسا تعرض آشکار به حقوق آیندگان باشد. از این رهگذر، مصرف بی‌برنامه و حداکثری از منابع برای استحصال انرژی، امنیت نوع بشر را با بحران‌های نوینی روبه‌رو ساخته که با عنوان «نگرانی مشترک بشریت» از آن یاد می‌شود و حتی عده‌ای، مرتکبان این رفتارها را «دشمنان نوع بشر» می‌دانند. چالش تهدید امنیت نوع بشر، چه برای نسل فعلی و چه برای نسل‌های آتی، سال‌هاست که به دغدغه مشترک جهانی مبدل شده است که در بخش‌های پیشین به پاره‌ای از اقدامات انجام‌شده در این راستا اشاره شد. در این میان، عده‌ای با توجه به اندیشه‌های نسل سوم حقوق بشری (حقوق همبستگی) پیشنهاد جرم‌انگاری اکوساید یا بوم‌زدایی را مطرح کرده‌اند تا به‌عنوان جنایتی که عموماً توسط دولت‌ها علیه صلح انجام می‌شود، در صلاحیت یک دادگاه کیفری بین‌المللی قرار گیرد (قلی‌پور و مهرا، ۱۳۹۹: ۴۳-۸۱). اگرچه این اندیشه‌ها هیچ‌گاه در عمل به منصفه ظهور ننشست و قدرت‌های اقتصادی اجازه رسمیت یافتن آن را ندادند، اما شدت قبح نقض تعهدات محیط‌زیستی و استفاده بی‌رویه از منابع انرژی را از منظر عقلای جهانی نمایان ساخت.

مسئله اکوساید در اوایل معطوف به عملیات نظامی و جنگی بود. اما اکنون اگرچه در سطح گفتمان‌ها و پیش‌نویس‌ها، شامل رفتارهای دولتی در زمان صلح نیز می‌شود؛ تلاش‌های بین‌المللی برای اجرای سیاست سبز و شناسایی و تعقیب مرتکبان جرم اکوساید و رفتارهای متعرض حقوق نسل‌های آتی به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی همچنان ادامه دارد و دور نیست که جامعه جهانی در سال‌های پیش‌رو جنایت اکوساید را به رسمیت بشناسد. قانون‌گذار حکیم داخلی نیز باید هم‌نوا با جامعه جهانی، گام‌های لازم برای تصویب مقررات مخصوص را به‌منظور کاهش وابستگی به منابع فسیلی در تولید انرژی بردارد تا به آرامی استفاده از انرژی‌های پاک به‌عنوان الزامی قانونی شناسایی گردد. در این میان نباید در استفاده

۱. به‌موجب مواد ۱ و ۳ پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۱۹۷۶)، آن دسته از رفتارهای دولت که به‌منزله نقض تعهدات بین‌المللی تلقی می‌گردند، صرف‌نظر از موضوع تعهد نقض‌شده، رفتار متخلفانه بین‌المللی به‌شمار می‌آید. هم‌چنین اگر رعایت یک تعهد بین‌المللی آن‌چنان برای حمایت از منافع بنیادین جامعه بین‌المللی ضروری باشد که جامعه بین‌المللی در کلیت خود، نقض آن را جنایت شناسایی کرده باشد، چنین نقضی جنایت بین‌المللی به‌شمار می‌آید.

از ابزارهای حقوق کیفری تعلل نمود؛ زیرا صیانت از انرژی چنان جایگاهی دارد که نیاز به استفاده از ابزارهای سخت و خشن را توجیه می کند.

پیشنهادها و نتیجه

توسعه و رونق اقتصادی، اعم از تولید، حمل و نقل، اختراعات و ارتباطات و حتی برآورده نمودن نیازهای آبی بدون وجود انرژی امکان پذیر نخواهد بود. شاید بی مبالغه بتوان گفت که انرژی عامل به وجود آمدن جهان بوده و هم چنین عامل بقا و حتی فروپاشی آن خواهد بود. آینده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و فنی هر کشور و به طور کلی جهان، وابسته به بود یا نبود انرژی است. توسعه یافتگی کشورهای مختلف نیز بستگی تام به داشتن مقادیر کافی انرژی دارد. انرژی عنصری محرک، مولد، درآمدزا و از اجزای جدایی ناپذیر و از کلیدی ترین معیارهای تصمیم گیری در صنعت ساخت است. نیاز به گفتن نیست که تعدد قوانین، الزاماً تضمینی بر عملیاتی شدن برنامه های حوزه انرژی و دستیابی به آرمان های توسعه پایدار نیست. نبود زیرساخت های لازم و عدم تعهد مجریان امر به قوانین وضع شده در کنار نبود شیوه نامه های اجرایی یا ضعف دستگاه های نظارتی سبب شده است قوانین و آیین نامه های مرتبط با انرژی بیشتر جنبه گفتاری و تبلیغی داشته باشند و تا عملیاتی شدن آن ها راه درازی در پیش است.

در گذشته انرژی کاملاً انحصاری و در اختیار دولت ها بود. امروزه آن ساختار عمودی، به ویژه در کشورهای توسعه یافته رو به اضمحلال است. اکنون انرژی عمدتاً تحت کنترل شرکت های خصوصی ملی، فراملی و سازمان های غیردولتی است. اما ایران همچنان همان ساختار سنتی را حفظ کرده است که خود می تواند از علل ناکارآمدی سیاست گذاری و اجرای برنامه ها در حوزه انرژی باشد. پیشنهاد می گردد قانون گذار در حوزه انرژی با سیاست گذاری دقیق و حفظ حق نظارتی دولت، راه را برای ورود بخش خصوصی به این عرصه هموار سازد.

سیاست های کلی ایران در موضوع انرژی به دو گروه اصلی سیاست های کلی نفت و گاز و سیاست های کلی سایر منابع انرژی تقسیم شده است. اما سیاست فعلی ایران عمدتاً معطوف به استفاده از منابع فسیلی است و پشتوانه های اجرایی برای استفاده از منابع تجدیدپذیر بسیار ناچیز است و به نظر می آید حاکمیت برای تعریف فرایندهای الزامی برای استفاده از انرژی های تجدیدپذیر نیز عزمی جدی ندارد که احتمالاً ناشی از عدم نیاز و وجود منابع فسیلی گسترده کشور است. این سیاست ها نه تنها امروزه منسوخ شده، بلکه به علت ورود حجم زیادی از آلاینده ها مغایر با سیاست های حفاظت از محیط زیست، توسعه ای و تعهدات بین المللی ایران است. برای حل این مشکلات، بجاست حاکمیت به سیاست های کلی نظام درباره انرژی های تجدیدپذیر که خود تدوین نموده است، جامه عمل بپوشاند. طبیعی است اجرای

قانون نیز نیازمند تدوین سازوکارهای اجرایی است که فقدان آن‌ها بسیار احساس می‌شود؛ البته نمی‌توان انکار کرد که حاکمیت گام‌هایی در این راستا برداشته، اما این اقدامات کافی، کارآمد، برانگیزنده یک صنعت ساخت نوین و متناسب با معیارهای جهانی نیستند.

این مقاله با اشاره به اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی که ایران نیز به بعضی از آن‌ها ملحق شده است، از جمله کنوانسیون مرتبط با لایهٔ ازن، کنوانسیون چهارچوب تغییرات آب‌وهوایی و پروتکل‌های مربوط به تلاش‌های بین‌المللی برای تدوین سیاست‌های مرتبط با استفاده از انرژی‌های پاک اشاره نموده که اجرای آن‌ها در سطح داخلی، به‌ویژه در صنعت ساخت، نیازمند تنقیح قوانین فعلی یا وضع قوانین جدید است. در این مسیر، استفاده از درس‌آموخته‌های سایر کشورها قطعاً مفید و کارآمد خواهد بود.

در پایان باید اذعان داشت که دربارهٔ مصرف بهینهٔ انرژی و در نظر گرفتن تمهیدات لازم برای صرفه‌جویی در مصرف آن، ضمانت‌های اجرایی خاص و قابل‌ذکری در قوانین کیفری فعلی موجود نیست و جرم‌انگاری در این امر نیز چندان جدی گرفته نشده است. قوانین فعلی کوشیده‌اند بیشتر موضوعات مرتبط با خسارت‌های ناشی از بهره‌برداری غیراصولی از منابع تجدیدناپذیر و شیوهٔ جبران آن را به پاسخ‌های مسئولیت مدنی معطوف سازند. اما با تمسک به قواعد عمومی حقوق کیفری، به‌ویژه مادهٔ ۶۸۸ ق.م.ا.ت، فرض وجود مسئولیت کیفری برای مدیران و مقصران قابل تصور است.

از منظر آرمان‌های توسعهٔ پایدار، جامعهٔ جهانی به راهی می‌رود که احتمالاً در آینده‌ای نزدیک شاهد به رسمیت شناخته شدن جرم اکوساید برای حمایت از محیط‌زیست و نسل‌های آتی در سطح بین‌المللی باشیم. از این رهگذر، پیش‌بینی تمهیدات لازم از سوی قانون‌گذار داخلی برای کاهش استفاده از منابع فسیلی مخرب محیط‌زیستی برای استحصال انرژی ضروری است. در این راستا، استفاده از انرژی هسته‌ای سیاست منسوخ‌شدهٔ جهانی است و باید به فکر استفاده از انرژی‌های خورشیدی، بادی، دریایی و زمین‌گرمایی بود.

منابع

الف) فارسی

۱. احمدی، اصغر؛ قدرت‌الله خسروشاهی؛ باقر شاملو (۱۳۹۶). «حمایت کیفری از محیط‌زیست شهری در حقوق کیفری ایران». اقتصاد شهری، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۲، ص ۵۴-۳۷. DOI: 10.22108/UE.2016.21044
۲. اخوان فرد، مسعود؛ محمدکاظم تقدیر (۱۳۸۹). «مسئولیت بین‌المللی دولت براساس معاهدهٔ منشور انرژی». مجلهٔ حقوقی بین‌المللی، دورهٔ بیست‌وهفتم، شمارهٔ ۴۲، ص ۲۹-۱۵. DOI:10.22066/CILAMAG.2010.17273
۳. اسدی جونوشی، محمد؛ اکبر وروائی (۱۳۹۷). «سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص تروریسم علیه انرژی». مطالعات حقوق انرژی، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۴، ص ۳۴۷-۳۲۱.

DOI: 10.22059/JRELS.2019.253355.189

۴. باقیان زارچی، مرتضی؛ سید حمید حسینی؛ محمدجواد موسی نژاد (۱۳۹۱). «جایگاه کشورهای منطقه خلیج فارس در سیاست های تأمین انرژی اتحادیه اروپا». فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره دوم، شماره ۶ ص ۱۸۵-۱۵۱. در: <http://www.iisajournals.ir/> (۲۳ مرداد ۱۴۰۲)

۵. حبیب زاده، توکل؛ فرنگیس منصوری (۱۳۹۳). «بازخوانی اصل "میراث مشترک بشریت" و تفاوت های آن با مفهوم "نگرانی مشترک بشریت"»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره چهاردهم، شماره ۳۸، ص ۱۲۰-۹۱. DOI: 10.30497/LAW.2014.1564

۶. داراب پور، مهرباب و دیگران (۱۴۰۱). اصول و مبانی حقوق تجارت بین الملل. جلد ۴، تهران، انتشارات گنج دانش.

۷. رحیمی، نسترن؛ محسن بختیار (۱۳۸۵). «پروتکل کیوتو: رهیافت ها و چالش ها». فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره هشتم، شماره ۲، ص ۷۹-۹۴. در: <https://jest.srbiau.ac.ir/> (۲۳ مرداد ۱۴۰۲)

۸. رضایی، علی (۱۳۹۶). «حقوق و تعهدات کشورها در بهره برداری از انرژی های تجدیدپذیر دریایی». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره هجدهم، شماره ۵۴، ص ۳۷۱-۳۴۷. DOI: 10.22054/QJPL.2017.7437

۹. رضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۸۶). «نگاهی به اصل استفاده غیرزیان بار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین الملل محیط زیست». مجله علوم محیطی، دوره چهارم، شماره ۴، ص ۷۳-۵۷. در: https://envs.sbu.ac.ir/article_96699.html (۲۳ مرداد ۱۴۰۲)

۱۰. زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۵). توسعه پایدار جامع، با تأکید بر مدیریت و کارآفرینی سبز. تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۱. طاهری، ابوالقاسم؛ اعظم ملایی (۱۳۹۰). «اتحادیه اروپا و سیاست جایگزینی انرژی های جدید». مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره هفتم، شماره ۲، ص ۸۶-۶۹. در: <https://jlap.srbiau.ac.ir> (۲۳ مرداد ۱۴۰۲)

۱۲. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۷). «استراتژی ایالات متحده امریکا در زمینه انرژی». مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره چهارم، شماره ۳، ص ۹۰-۶۵. در: <https://jlap.srbiau.ac.ir> (۲۳ مرداد ۱۴۰۲)

۱۳. طبرسا، غلامعلی؛ آرمان احمدی زاد (۱۳۹۴). مدیریت سرمایه ها و دارایی های نامشهود سازمان (مدل ها، یافته ها و شاخص های سنجش). تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.

۱۴. عبداللهی، محسن؛ سعیده معرفی (۱۳۸۹). «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین الملل محیط زیست». پژوهش حقوق عمومی، دوره دوازدهم، شماره ۲۹، ص ۲۲۴-۱۹۹. در: <https://qjpl.atu.ac.ir> (۲۳ مرداد ۱۴۰۲)

۱۵. قلی‌پور، غلامرضا؛ نسرین مهرا (۱۳۹۹). «جنایتِ اِکوساید؛ گذشته، حال و آینده». پژوهش حقوق کیفری، دوره هشتم، شماره ۳۰، ص ۱۹-۱. DOI: 10.22054/JCLR.2020.40615.1877
۱۶. کریمی‌پور، داود؛ سیدامیر نیاکویی؛ ابراهیم متقی (۱۳۹۶). «دیپلماسی انرژی روسیه در منطقه آسیا-پاسفیک». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هفتم، شماره ۲۳، ص ۱۸۰-۱۵۵. در: <http://www.iisajournals.ir> (۲۳ مرداد ۱۴۰۲)
۱۷. موسوی شفاپی، مسعود؛ احمد سلطانی‌نژاد؛ مهدی زحمتکش (۱۳۹۱). «وابستگی متقابل روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوم، شماره ۶، ص ۱۱۰-۸۲. در: <http://www.iisajournals.ir> (۲۳ مرداد ۱۴۰۲)

ب) خارجی

18. Darabpour, M. R. et al. (2022). "A legal management model towards sustainable development: an approach in Iranian green construction". *Environment, Development and Sustainability*. Springer Netherlands, 24(6), pp 7874–7895. doi: 10.1007/s10668-021-01764-8.